



بررسی فضایل قرآنی در دعای ابوحزمه ثمالی

مریم سلیمانی میمند
عضو هیات علمی دانشگاه، شهر بابک

چکیده

دعا پیوندی معنوی میان انسان و پروردگار است که اثر تربیتی و سازندگی مهمی در روح انسان دارد و راهنمای انسان به قرب الهی است. دعاهای مأثور نیز یکی از ذخایر ارزشمند در این زمینه می‌باشند. از این میان، دعای ابو حزمه ثمالی مضامین قرآنی، اخلاقی بسیاری در بر دارد. این دعا از زبان مبارک امام سجاد (ع) بر ابو حزمه ثمالی تعلیم داده شده است و شامل سه محور اساسی است. در محور اول معرفت الهی به عنوان کلید هدف نهایی مطرح می‌گردد، در این محور به موضوع گریز ناپذیری بنده از محدوده حکومت الهی، شناخت ذات و راهنما بودن خداوند اشاره دارد. در محور دوم به راه سعادت و نجات انسان از طریق تمسک به رحمت الهی، عمل به حسنات و دوری از سیئات اشاره دارد. محور سوم به مبحث دعا، آداب و مهم‌ترین خواسته‌های ایشان اشاره دارد.

کلید واژه‌ها: دعای ابو حزمه ثمالی، معرفت، فضایل قرآنی، سعادت.

معرفی دعای ابو حمزه ثمالی

با دقت در آیات و احادیث معصومین (ع) به این نتیجه می‌رسیم که هدف از خلقت جهان هستی و محور آفرینش آسمان‌ها و زمین، انسان است.

«و هو الذی خلق السموات والارض فی سته ایام وکان عرشه علی الماء لیلوکم ایکم احسن عملا» (هود، ۷/۱۱)؛ و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را درشش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید.

خداوند هدف از خلقت انسان را در قرآن عبادت معرفی می‌کند و این مهم، تنها با معرفت خداوند حاصل می‌شود.

«وما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۱/۵۶)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای این که مرا پرستند. عبادتی که انسان برای آن خلق شده است، عبادتی است که فرشتگان قادر به انجام آن نبودند.

امام صادق (ع) در روایتی، عبادت انسان‌ها را سه گونه معرفی می‌کنند: گروهی که خداوند را به خاطر ترس از عذاب عبادت می‌کنند و این، عبادت بردگان است و گروهی که خداوند را به خاطر بهشت عبادت می‌کنند و این، عبادت بازرگانان است و گروهی که خداوند را به خاطر حب و دوستی عبادت می‌کنند و این، عبادت کریمان است. پس عالی‌ترین شکل عبادت، عبادتی است که از سر عشق و محبت باشد. «انا جعلنا ما علی الارض زینه لها لتبلوهم ایهم احسن عملا» (کهف، ۷/۱۸)؛ در حقیقت ما آن‌چه که در زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. «الذی خلق الموت و الحیوه لیلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور» (ملک، ۲/۶۷)؛ و همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامین نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده. خداوند با آفرینش جهان و مرگ و زندگی در جستجوی نیکوکارترین بندگان است، آنان که از روی عشق و محبت او را انتخاب می‌نمایند.

۱. البته در قرآن به وجوه دیگری از هدف خلقت انسان، از قبیل: رحمت، امتحان و آزمایش، خلافت و جانشینی خداوند اشاره شده است که در حوزه بحث ما نمی‌گنجد. علامه طباطبایی می‌فرماید:

«چون غرض اصلی، پدید آمدن انسان کامل است - اما مرحله نقص آن منظور

نیست - اگر در بین انسان‌ها افرادی باشند که از هر جهت برتری داشته باشند، غایت و غرض اصلی از خلقت آسمان‌ها و زمینند. زیرا از عبارت «ایکم احسن عملاً» بر می‌آید که مقصود اصلی، مشخص کردن کسی است که بهتر از دیگران عمل می‌کند؛ چه بس آن دیگران اصلاً عمل خوب نداشته باشند و یا داشته باشند ولی به پایه آنان نرسند».^۲

مشخص کردن کسی که عملش از عمل تمامی افراد بهتر است، غرض و مقصود از خلقت است. با این بیان معنای حدیث قدسی که در آن خدای تعالی خطاب به پیامبر (ص) فرمود: «لولاک لما خلقت الافلاک؛ اگر در نظر نبودى من افلاک را نمى آفریدم» روشن می‌شود که آن جناب از تمامی افراد بشر افضل است.^۳

گفتار، خوی و منش پیشوایان معصوم^(ع) نیز، ترسیم حیات طیبه انسانی و وجودشان تبلور تمامی ارزش‌های الهی است.

امام سجاده^(ع) به عنوان الگوی یک انسان کامل، در قالب دعا و مناجات سرچشمه معارف و علوم اسلامی را به روی پیروان خود باز می‌کند.

دعای ابوحمزه ثمالی، یکی از دعاهایی است که امام سجاده^(ع) در سحرهای ماه رمضان تلاوت می‌کرد که در این نوشتار به محورهای آن اشاره می‌کنیم.

معرفت الهی

امام در سراسر دعا هدف نهایی تربیت خداوند متعال را معرفی می‌کند و در تمام فرازها با زبان دعا و مناجات به آن حقیقت یکتا رهنمون می‌شود. محور اول بحث امام معرفت الهی است.

معرفت خداوند یکی از اهداف مهم و کلید رسیدن به هدف نهایی است. در این محور به سه موضوع اشاره می‌شود.

۱. گریز ناپذیری بنده از محدوده حکومت الهی

«الهی لا تؤدبني بعقوبتك ولا تمکر بی فی حیلتک من این لی الخیر یا ربّ ولا یوجد الا من عندک ومن این لی النجاة ولا تستطاع الا بک لا الذی احسن استغنی عن عونک ورحمتک ولا الذی اساء واجترأ علیک ولم یرضک خرج عن قدرتک؛ خدایا مرا به مجازات

و عقوبتت ادب مکن و مکر مکن به من با حيله ات از کجا خیری بدست آورم . ای پروردگار من! با اینکه خیری یافت نشود، جز در پیش تو، از کجا نجاتی برایم باشد، با این که نجاتی نتوان یافت، جز به کمک تو . نه آن کس که نیکی کند بی نیاز است از کمک تو و رحمتت و نه آنکس که بد کند و دلیری بر تو کند و خشنودیت نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود» .

۲ . شناخت ذات

«[بک] عرفتک وانت دللتنی علیک ودعوتنی الیک ولولا انت لم ادر ما انت ؛ ای پروردگار من ... به وسیله خودت من تو را شناختم و تو مرا بر خود راهنمایی کردی و به سوی خود خواندی و اگر تو نبودى من ندانستم که تو کسى» . کلام مشابه امام در دعای صباح که می فرماید: «یا من دلّ علی ذاته بذاته» .

۳ . راهنما بودن خداوند

در فرازهای متعددی به این مهّم اشاره دارد . مثلاً آن جا که بحث خالقیت مطرح می شود؛ چون الله خالق است و چگونگی زیست ایشان رافراهم می سازد، از این رو می فرماید :

«الهی ربّیتی فی نعمک واحسانک صغیرا ونوّهت باسمى کبیرا فیامن ربّانی فی الدّیّا باحسانه وتفَضَّلَه ونعمه واثار لی فی الاخرة الی عفوه وکرمه ؛ خدایا مرا در خردسالی در نعمت ها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبان ها بلند کردی . پس ای که در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمت های خود پروریدی و برای آخرتم به عفو و کرم اشارت فرمودی» .

یا اشاره می کند : «سیدی انا الصغیر الذی ربّیته وانا الجاهل الذی علّمته وانا الضالّ الذی هدیته وانا الوضیع الذی رفعته وانا الخائف الذی آمتته والجائع الذی اشبعته والعطشان الذی ارویته والعاری الذی کسوته والفقیر الذی اغنیته والضعیف الذی قویته والذلیل الذی اعزّزته ؛ مولای من ! همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که راهنماییش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه ای هستم که سیرش کرد ساختی و تشنه ای هستم که سیرابش نمودی و برهنه ای هستم که پوشاندیش و نداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی» .

راه سعادت و نجات انسان

محور دوم بحث امام در دعا، راه سعادت و نجات انسان است که در دو موضوع به تصویر کشیده می شود.

۱. تمسک به رحمت الهی

در فرازهای متعددی تکرار شده است که جود، کرم و رافت و مهربانی خداوند است که دوباره ما را به سوی خود رهبری می کند: «حجتی یا الله فی جراتی علی مسئلتک مع اتیانى ما تکره جودک و کرمک و عدتی فی شدتی مع قلّة حیائی رافتک و رحمتک و قد رجوت ان لا تخیب بین؛ دلیل و بهانه من ای خدا در این که دلیری کنم در سؤال کردن از تو، با این که رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختیم با بی شرمی من، همان رأفت و مهربانی تو است».

یا در فراز دیگر: «ولا تؤاخذنی بأسوء عملی؛ فانّ کرمک یجلّ عن مجازاة المذنبین و اعف عن توبیخی بکرم و جهک؛ مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است از مجازات گناه کاران، به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کن و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود ببوشان و به کرم ذات از سرزنش کردن من درگذر». در فراز دیگر: «علامّ الغیوب تستر الذّنب بکرمک؛ پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهان، گناه را به کرمت می پوشانی».

در فراز دیگر:

«الهم قلبی من المعرفة بکرمک وسعة رحمتک: شناسایی کرم و رحمت وسیعت به دلم الهام شده».

همچنین در فرازهای متعددی به رحمت الهی اشاره شده است. مثلاً: «معرفة بسیعة رحمتک و عظیم عفوک؛ و همان معرفتی که من به فراخی رحمت و بزرگی عفو تو دارم». یا در فراز دیگر: «و برحمتک فخلّصنی؛ و به رحمتت خلاصم (رهايم) کن».

۲. عمل به حسنات و دوری از سیئات

تربیت برای هر جامعه ای، امری مهم و حیاتی است. تمام گرفتاری های موجود در جهان ناشی از غفلت انسان از تربیت و سازندگی روحی و اخلاقی است. اصلاح و تهذیب نفس، گامی مهم در کسب فضایل و دوری از رذایل اخلاقی و قرآنی است. در این قسمت

به بررسی فضایل قرآنی از جمله: محبت، امید، ذکر، توکل، توسل، استغفار، حلم، احسان، صبر و... می پردازم.

فضایل قرآنی محبت از دیدگاه امام

امام در فرازی از دعا می فرماید: «و الحمد لله الذی تحبب الیّ و هو غنی عنی؛ و سپاس آن پروردگار کریمی که دوستی ورزد با من و او از من بی نیاز است». این کلام و این ثنای نیکوی لسان مبارک معصوم است که خدای تعالی محبت خود را به حد کمال درباره او مبذول فرموده است.

امام، محبت به خداوند را شفیع خود دانسته و می فرماید: «عرفتی یا مولای دلیلی علیک و حیّ لک شفیع الیک و أنا واثق من دلیلی بدلالتک و ساکن من شفیع الی شفاعتک؛ ای مولایم راهنمای من به سوی تو معرفت من است و دوستیم نسبت به تو شفیع من است و از راهنمایی به رهبری تو اطمینان دارم و از پذیرفتن شفیع از جانب تو آسوده خاطریم».

در این فراز دوستی و حب حصول شفاعت است. امام اشاره به دوستی و محبت خود نسبت به حق کرده و می فرماید: «حیّ لک شفیع الیک» از این بیان معلوم می شود که این مقام (عالم عشق و محبت) واسطه بزرگ و محکمی است که امام (ع) آن را شفیع قرار داده است. رمزی که در این عبارت به کار برده شده است، این است که چگونه ممکن است خدای تعالی نظر لطیف و توجه خود را از محبان خود باز گیرد و دل باختگان مقام حقیقت را به دست فراموشی بسپارد؛ بلکه بالاتر چگونه ممکن است قلب هایی که مملو از محبت او باشند در آتش بسوزد؟ مگر داستان ابراهیم خلیل را نشنیده اید که آتش چه معامله ای با او کرد. حقیقتا که باید بر تمام خلیل ها و بر تمام آن ها که قلبشان کانونی از محبت الهی است. «یا نارکونی بردا و سلاما» خوانده شود.^۴

یا در فرازی دیگر می فرماید:

«یا حبیب من تحبب الیک و یاقرة عین من لاذبک و انقطع الیک؛ ای دوستدار آن کسی که از راه دوستی به تو روی آورد. و ای نور دیده کسی که پناه به تو آورد و از دیگران ببرد».

خداوند چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی شایسته‌اند که دم از دوستی و محبت او زنند و اما در این جا گفته می‌شود که اصلاً سرچشمه محبت و دوستی بنده به خالق خود همان ایمان به وحدانیت و اطاعت او امر اوست همچنان که پیغمبر خود را متذکر ساخت که به آن‌هایی که ادعای محبت با خدا می‌کنند و از امر و اطاعت رسول سر باز می‌زنند ادعای آن‌ها بی‌مورد و شرط دوستی و محبت را به جای نیاورده‌اند، یعنی زمانی مقام دوستی و محبت تحقق می‌پذیرد که متابعت و پیروی کامل از فرستاده او نموده و به احکامش عمل نماید. قول حق تعالی «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله...»؛ بگو ای پیامبر اگر شما دوست می‌دارید خدا را از من اطاعت کنید تا خدا شما را دوست بدارد. این همان دوستی میان خالق و مخلوق است. هیچ حلاوتی شیرین‌تر از عشق و محبت با محبوب حقیقی نمی‌باشد.^۵ ویژگی دوستان خداوند این است که جز محبت او را در دل نداشته باشند امام حسین (ع) در این راستا در دعای عرفه می‌فرماید: «انت الذی ازلت الاغیار عن قلوب احبائک حتی لم یحبوا سواک؛ تو همانی که بیگانگان را از دل‌های دوستانت زدودی تا جز تو را دوست ندارند».

در قسمتی از زیارت جامعه کبیره نیز، آمده است که: «من والاکم فقد والی الله و من عاداکم فقد عاد الله و من احبکم فقد احب الله و من ابغضکم فقد ابغض الله و من اعتصم بکم فقد اعتصم بالله» باید اذعان کرد که تمام دین در پنج عبارت فوق خلاصه می‌شود در حقیقت همان است که حضرت صادق (ع) آن را به صورت «هل الدین الا الحب؛ آیا این جز از محبت چیز دیگری هست» مطرح کرده است.^۶

رسول خدا هم در تمام ۲۳ سال بعثت خود، محبت علی (ع) و فرزندانش را به کرات به امت خود گوشزد نموده است. قرآن نیز اجر و رسالت پیامبر (ص) را دوستی و مودت اهل بیت (ذوی القربی) می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «قل لا أسألكم علیه أجر إلا المودة فی القربی» (شوری، ۴۲ / ۲۳)؛ بگو من بر این [رسالت] مزدی از شما نمی‌خواهم مگر محبت خویشان را. ناگفته نماند که سود این محبت نیز در درجه اول، شامل خودمردم می‌شود؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم» (سبأ، ۳۴ / ۴۷)؛ ای پیامبر بگو اجر رسالتی که از شما می‌خواهم در واقع برای خود شماست.

در چهارمین سلام از زیارت جامعه کبیره آمده است که «السلام علی... التامین فی

محبه الله» این جان نیز سخن از محبت الهی است. خلاصه آن که در مراحل عالیه، اختلاف و امتیاز افراد به میزان محبتی است که نسبت به حضرت حق و یا انوار قدس الهی دارند. نشانه‌های این افراد در سوره مجادله آمده است: «لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حادَّ الله ورسوله ولو كانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم أولئك كتب في قلوبهم الإيمان وأيدهم بروح منه ويدخلهم جنّات تجري من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم ورضوا عنه أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون» (مجادله، ۵۸/۲۲)؛ قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست بدارند. خدا ایمان را در دل این‌ها نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است در می‌آورد همیشه در آن جا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و آن‌ها از او خشنودند، اینانند حزب خدا، آری حزب خداست که رستگارانند.

امید از دیدگاه امام

از جمله آثار توجه حضرت سجاد(ع) به خدای تعالی امیدواری نسبت به خداوند است و این که ایشان خداوند را منبع فیض و رحمت و احسان دانسته‌اند. با دقت در سراسر فرازهای دعای ابوحمزه، امیدواری امام در سراسر دعا به تصویر کشیده شده است. یکی از مواردی که باعث امیدواری می‌گردد اعتقاد به رحمت گسترده خداوند است. این دستور خداوند است که می‌فرماید: «قل یا عبادى الذین أسرفوا علی أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله یغفر الذنوب جمیعا إنه هو الغفور الرحیم» (زمر، ۵۳/۳۹)؛ ای بندگان من که بر خویش‌تان زیاده روی روا داشته‌اید، از خدا نومید مشوید. در حقیقت خداوند همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

امام ضمن سپاس خداوند می‌فرماید: «الحمد لله الذی لا ارجو غیره و لو رجوت غیره لاخلف رجائی؛ سپاس و ستایش خدایی که به غیر او امیدوار نیستم و اگر به غیر او امیدوار باشم امیدم بر خلاف است».

«لو لا ما ارجوا من کرمک وسعة رحمتک و نهیک ایای عن القنوط لقنطت عندما

اتذکرها؛ اگر به کرم و گستردگی رحمت امیدوار نبودم و مرا از ناامیدی پرهیز نمی دادی بی گمان به هنگام یادآوری گناهان ناامیدی بر من چیره می شد».

«اللّهم انی اجد سبیل المطالب الیک مشروعة و مناهل الرجاء الیک مترعة و الاستعانه بفضلک لمن املک مباحة؛ خدایا همانا من همه راه های مقاصد را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید را به سویت سرشار می یابم و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندان مباح است».

«عصیناک و نحن نرجو ان تستر علینا و دعوناک و نحن نرجو ان تستجیب لنا فحقق رجاء نامولا نافقد علمنا ما نستوجب باعمالنا؛ معصیت کردیم و امید پرده پوشی داریم تو را در دعا خواندیم و امید اجابت داریم. پس ای مولای ما! ما را به امید و آرزویمان برسان که ما می دانیم که به اعمال زشت خود چیزی جز محرومی از رحمت مستحق نیستیم».

«قد رجوت ان لا تخیب بین ذین و ذبن منیتی فحقق رجائی و اسمع دعائی یا خیر من دعاه داع و افضل من رجاه راج؛ امیدوارم که بین این و آن آرزویم را نومید مکنی، پس، امیدم را محقق ساز و دعایم را بشنو. ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش و برترین کسی که امیدواران به او امید دارند».

امام خداوند را منبع فیض و رحمت و احسان دانسته و بندگان را از ناامیدی نهی کرده است. این که، امام بندگان را درس امیدواری می دهد [و امید به رحمت را مایه نجات معرفی می کند] برگرفته از آیات قرآن مجید است. آن جا که در آیات می فرماید: «وإِذَا تَعَرَّضْنَا عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةِ مَنْ رَبَّنَا تَرْجُوهُمْ فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مِّسُورًا» (اسراء، ۱۷/۲۸)؛ و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی از ایشان روی می گردانی، پس با آنان سخن نرم بگوی.

«أولئك الذین یدعون یتبعون إلی ربهم الوسیلة أتیهم أقرب ویرجون رحمتهم و یخافون عذابه إن عذاب ربک کان محذورا» (اسراء، ۱۷/۵۷)؛ آن کسانی که ایشان می خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می جویند [تا بدانند] کدام یک از آن ها به او نزدیک ترند و به رحمت وی امیدوارند و از عذابش می ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است. همچنین خداوند در آیه به نهی از نومیدی پرداخته است و نومیدی از رحمت خدا را ویژه کافران معرفی کرده است:

«...ولا تیأسوا من رّوح اللّهِ إنه لا یأس من رّوح اللّهِ إلا القوم الکافرون» (یوسف، ۱۲/۸۷)؛

از رحمت خدا نومید مشوید که از رحمت خداوند جز کافران نومید نمی شوند. امام در فرازهای دیگری ضمن سپاس و شکرگزاری از خداوند، نگاه امیدواری که نسبت به پروردگار دارند را به نمایش می گذارند از جمله:

«الحمد لله الذی انادیه کَلِّمًا شَتَّ لِحَاجَتِي و اخلوه به حیث شئت لستری بغیر شفیع فیضی لی حاجتی؛ سپاس و ستایش خدایی را که هر گاه برای حاجتی بخواهم او را ندا کنم و هر زمان بخواهم برای راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد. امید به رحمت خداوند است که امام را از درگاهش ناامید نمی سازد. مخصوصاً آن جا که می فرماید:

«سیدی و اقبل منی ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء و أنا ارجو ان لا تردنی معرفة منی برأفتک و رحمتک؛ ای آقای من! آن چه گویم از من بپذیر؛ زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون آشنایی کاملی به مهر و رأفت تو دارم.

صبر از دیدگاه امام

ما صبوریم و شیعیان از ما بردبارتر و صبورتر راوی پرسید: چگونه شیعیان شما از شما بردبارترند. فرمود: ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم و شیعیان ما بر آنچه نمی دانند صبر می کنند این روایت زیبا از امام صادق^(ع) نقل شده است.^۷

صبر و مقاومت در برابر مصائب از جمله ویژگی های مشترک بین ائمه^(ع) می باشد. از جمله امام سجاد^(ع) که در آن شرایط پر از تشنج، الگویی از صبر بوده اند.

حضرت در باب صبر می فرماید: افراد سه صفت را از سه نفر دریافت کرده اند: صبر را از ایوب^(ع) شکر را از نوح^(ع) و حسد را از فرزندان یعقوب^(ع).^۸

امام^(ع) در فرازی از دعا از خداوند صبر جمیل را درخواست می کنند.

«اللهم انی استلک صبرا جمیلا و فرجا قریبا و قولاً صادقا و اجرا عظیما؛ پروردگارا! از تو صبوری زیبا و نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ می خواهم».

امام از خداوند به درخواست صبوری می پردازد که پیامد آن شکوفایی زیبایی است، همان صبوری که یعقوب^(ع) در برابر خبر مرگ یوسف^(ع) - که عزیزترین فرزندش بود- «وجأوا علی قمیصه بدم کذب قال بل سولت لکم أنفسکم أمرا فصبر جمیل واللّه

المستعان علی ما تصفون (یوسف، ۱۲/۱۸)؛ و برادرانش پیراهن خونی دروغین آوردند [یعقوب] گفت: [نه] بلکه نفس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است این که صبری نیکو [برای من بهتر است] و بر آن چه توصیف می کنید خدا یاری ده است.

در این آیه بحث صبر و مقاومت یعقوب که اسطوره‌ای در صبر و شکیبایی است به میان آمده است. او در فراق فرزندش سخنی بر خلاف رضای حق بر زبان نراند و پیوسته شاکر و صابر بود و به تعبیر خودش صبر جمیل داشت.

یعقوب بعد از آن که فرمود: «فصبر جمیل» در ادامه گفت: «والله المستعان علی ما یصفون» و کلمه صبر را با کلمه توکل تمام کرد. نظیر آن که در آیات بعدی نیز همین معنا را رعایت کرده و چنین گفت: «فصبر جمیل عسی الله ان یأتینی بهم جمیعاً انه هو العلیم الحکیم» (یوسف، ۱۲/۸۳). از امام باقر (ع) در مورد صبر جمیل سوال شد، امام فرمود: صبری خالص که در آن شائبه‌ای از شکایت نزد مردم نباشد.^۹

در جایی دیگر نیز آمده است: که صبری که در آن شکایتی نباشد جمیل است.^{۱۰} خداوند نیز خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: «فاصبر صبراً جمیلاً» (معاراج، ۵/۷۰)؛ پس صبر کن صبری نیکو.

توکل از دیدگاه امام

یکی از منازل دین و مقامی است از مقامات اهل یقین و یکی از درجات مقربین است. امام که اسوة توکل است در فرازی از دعای ابوحمزه می فرماید:

«سیدی علیک معولی و معتمدی و رجائی و توکلی و برحمتک تعلقی و بفنائک احطّ رحلی و بچودک اقصّد؛ ای مولای من! اعتماد و اطمینان و امید و توکل من به تو است و تعلق خاطر و دل بستگی من به رحمت توست و به جود و بخشش تو قصد به مطلوب خود می کنم.»

«یا سیدی فائک ان ولکتی الی نفس هلکت؛ ای مولای من! اگر مرا به خودم واگذاری هلاک می گردم». امام در این دو فراز تأکید می کند که تنها باید به خداوند توکل کرد و انسان اگر به نفس خود واگذار گردد سرانجامش هلاکت است. این که خداوند پشتوانه و تکیه گاه می باشد و فقط بر او می توان توکل کرد، از مضمون های خود قرآن و برگرفته از آیات ذیل می باشد:

«وما لنا ألا نتوكل على الله وقد هدانا سبلنا ولنصبرن على ما آذيتونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون» (ابراهیم، ۱۲/۱۴)؛ چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آن که ما را بر راه ایمان رهبری کرده است و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد و توکل کنندگان باید تنها به خدا توکل کنند.

«إذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم ومن يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم» (انفال، ۴۹/۸)؛ آنگاه که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری بود می‌گفتند: اینان: [مؤمنان را] دینشان فریضة است و هر کس بر خدا توکل کند [بداند که] در حقیقت خدا شکست‌ناپذیر حکیم است... «من يتوكل على الله فهو حسبه» (طلاق، ۳/۶۵)؛ هر کس بر خدا توکل و اعتماد کند او برای وی بس است. «و توکل على الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خیرا» (فرقان، ۵۸/۲۵)؛ و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگان‌اش آگاه است. امام تنها ذخیره روحی و پناه‌گاه معنوی خویش را ذات اقدس الهی معرفی می‌کند همچنانکه در صحیفه سجادیه نیز به این مطلب اشاره دارند:

«الهی... و الیک أُلجأ و بک اثق و ایاک استعین و علیک اتوکل و علی جودک و کرمک اتکل؛ پروردگارا به تو پناه می‌برم و باز به تو اطمینان دارم و از تو یاری می‌خواهم و به تو ایمان دارم».

توسل از دیدگاه امام

۱. دعا ابزار توسل

امام سجاده^(ع) با توجه به این که معصوم است، برای مقام قرب در ادعیه خود، دستور خداوند را به مرحله اجرا گذاشته است و طبق آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة وجاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون» (مائده، ۳۵/۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و به او [توسل] و تقرب جوئید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. در یکی از فرازهای دعایش می‌فرماید: «و قد قصدت الیک بطلبتی و توجّهت الیک بحاجتی و جعلت بک استغاثتی و بدعائك توسّلی من غیر استحقاق لاستماعک منی و لاستیجاب لعفوک بل لثقتی بکرمک و سکونی الی صدق وعدک؛ من به مطلب خود، رو

به درگاهت کردم و برای حاجتم رو به تو رو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و به دعای تو بدون آن که استحقاق آن را داشته باشم که تو از من بشنوی متوسل شدم و نه مستوجب آمَن که از من بگذری، بلکه بدان اعتمادی که به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به صدق وعده ات دارم». امام با نهایت خضوع و تواضع در مقام تعلیم برآمده و یکی از ابزارهای توسل را که دعا است معرفی می کند و چنین می فرماید: «با این حال که آن شایستگی را ندارم و خویشان را سزاوار نمی دانم که گفتارم را بشنوی و یا آن استحقاق در من نیست که بر بیانم ترتیب اثر دهی»، این گفتار امام و بقیه گفتارهایش نشان گر خضوع و خشوع و یا تعلیم مناجات است زیرا شایستگی مقام انبیاء و اولیاء در هیچکس نیست. در فرازی دیگر آمده است.

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتَمِ لِيْ بِخَيْرِهِ وَاكْفِنِيْ مَا اَهْمَنِيْ مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ وَلا تَسْلُطْ عَلٰى مَنْ لا يَرْحَمُنِيْ وَاجْعَلْ عَلٰى مَنْكَ جَنَّةً وَاقِيَةً باقِيَةً؛ خداوندا! درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد (ص) آن (پیغمبر خاتم) و عاقبت مرا نیکو گردان و کفایت کن مهمات مرا در امر دنیا و آخرت و مسلط مکن بر من کسی را که بر من رحم ننماید و شفقت نداشته باشد و از خود نگاهدارنده ای پایدار بر من قرار ده». شیوه امام چه در مناجات ها و دعاهای صحیفه سجادیه و چه در دعای ابوحمزه ثمالی این است که در خلال یک سلسله از خواسته های خود (درود و تهنیت بر رسول خدا می فرستد).

این توسل، همان صلوات ساده ای که در بین شیعیان شایع است و در زیارت جامعه نیز آمده: «و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و سلّم تسلیم کثیرا احسبنا الله و نعم الوکیل» پس از عبارت «صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین» ملاحظه می کنیم که «سلّم تسلیم» اشاره به این آیه شریفه دارد: «إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يَصَلُّونَ عَلٰى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب، ۵۶/۳۳)؛ بی گمان خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستد ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گوئید، سلامی شایسته. و در این مورد علی (ع) می فرماید: صلوات بر پیامبر (ص) بفرستید و تسلیم وصی او شوید و بدانید صلوات شما بر پیامبر به عنوان رسول خدا برایتان سودی ندارد، مگر این که با قبول ولایت، تسلیم علی (ع) شوید.

«اللّٰهُمَّ بَدَمَةَ الْاِسْلَامِ اتَوَسَّلْ الْيَكِ وَبِحَبِ النَّبِيِّ الْاِمَامِي

القرشى الهاشمى العربى التهامى المكى المدنى ارجو الزلفه لديك ؛ خدايا به پيمان اسلام به درگاهت توسل جويم و به حرمت قرآن به تو اعتماد مى کنم و به دوستى و محبتى که به پيامبر امى قرشى، هاشمى، عربى، تهامى، مكى، مدنى دارم اميد تقرب به تو را دارم. امام در اين فراز هم به قرآن و هم به دوستى پيغمبر (ص) متوسل شده است.

۲. توسل به قرآن

قرآن مهم ترين وسيله تقرب به سوى حق است، که بزرگان عالم خدا را به عظمت آن قسم مى دهند. و آن را واسطه و شفيع خود قرار مى دهند. چنان که على (ع) مى فرمايد: بدانيد که اين قرآن پند دهنده اى است که خيانت نمى کند و راهنمايست که گمراه نمى کند و سخن گوييست که دروغ نمى گويد. بهترين معرف قرآن خود قرآن است.

«تبياناً لكل شىء» (نحل، ۱۶ / ۸۹)؛ بيان گر همه چيز است.

تمسک و توسل به قرآنى که امام در اين فراز به کار برده است برگرفته از آيات قرآن است. «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم إذ كنتم أعداء فألّف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم على شفا حفرة من النار أنقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون» (آل عمران، ۳ / ۱۰۳)؛ و همگى به ريسمان خدا چنگ زبند و پراکنده نشويد و نعمت خدا را بر خود ياد كنيد. آن گاه که دشمنان [يکديگر] بوديد، پس، ميان دل هاى شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شديد و بر کنار پرتگاه آتش بوديد که شما را از آن رهانيد. اين گونه خداوند نشانه هاى خود را براى شما روشن مى کند، باشد که شما راه يابيد.

تمسک به آيات خدا و رسول تمسک به خدا است و شخص متمسک و معتصم در امان است و هدايتش ضمانت شده است. کسى که دست به دامن رسول شود دست به دامن کتاب شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «حبل الله» همان کتاب خداست و اين قرآن سبب و رابطه اى است که يک طرفش به دست خداست و سر ديگرش به دست شماست. پس به آن تمسک کنيد که نه هرگز از بين مى رويد و نه هرگز تا ابد گمراه مى شويد. امام سجاده (ع) نيز فرمود: حبل الله همان قرآن است. ۱۲

۳. توسل به پيامبر (ص) و خاندانش

امام در ادامه فراز مى فرمايد: «... و بحب النبى الامى القرشى الهاشمى العربى التهامى

المکی المدنی ارجو الزلفه لیدیک» .

«ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوا فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً» (نساء، ۶۴/۴)؛ و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند، پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد. قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند .

این آیه نشان می دهد که خدا پیامبر (ص) را معرفی می کند و از طرف دیگر پیامبر (ص) نیز، در تفسیر «عروه الوثقی» در آیه «لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم» (بقره، ۲/۲۵۶)؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است . پس، هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار چنگ زده است که هرگز گسسته نمی شود و خداوند شنوای داناست . فرمود: کسی که دوست دارد به «عروه الوثقی» متمسک شود باید به حبّ علی (ع) و اهل بیتش تمسک جوید .^{۱۳}

شکر در کلام امام

«و لك الحمد على بسط لسانی افبلسانی هذا الكال اشكرک ام بغایة جهدی فی عملی ارضاک و ما قدر لسانی یا رب فی جنب شکرک و ما قدر عملی فی جنب نعمک و احسانک الهی ان جودک بسط املی و شکرک قبل عملی؛ سپاس و ستایش مخصوص توست، بر آن چه گشایش دادی زبان مرا (در شکرگزاری)، آیا با این زبان لال ستایش و شکر تو را گویم یا با نهایت کوشش در کردار خود تو را راضی و خشنود سازم، چه ارزش و لیاقتی دارد زبانم در برابر سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمت هایت و احسانی که به من کردی . خدایا! بخشش تو آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت .

۱ . عجز و ناتوانی زبانی و عملی شکر نعمت های الهی امام سجاد (ع)، ضمن بیان عجز و ناتوانی زبانی و عملی خود در شکر نعمت های الهی، نهایت تواضع را به تصویر می کشاند . امام علاوه بر این، قصد دارد تعلیم دهد که نباید تنها به شکر لفظی نباید اکتفا کرد، بلکه باید به کردار و عمل نیز توجه کرد . بنابراین شکر مطلق خدای تعالی را باید به جا آورد .

۲ . شکر لازمه ایمان است : نکته دیگری که امام در باب شکر ارائه می دهند این است

که شکر الهی وظیفه هر مؤمنی است. شکر نعمت در حقیقت استعمال نعمت است به نحوی که احسان منعم را یادآوری و در مورد خدا برگشت به ایمان و تقوا مایه زیاد شدن نعمت می شود و کفر نعمت باعث عذاب شدید می شود.

رسول خدا (ص) فرمود: به هیچ کس چهار چیز ندادند که از چهار چیز دریغ کرده باشند: به کسی توفیق شکر ندادند که از زیادی نعمت دریغ کرده باشند؛ زیرا خداوند فرمود: «لئن شکرتم لازیدنکم» (ابراهیم، ۷/۱۴) و به کسی توفیق دعا ندادند که اجابت را از وی دریغ کرده باشند؛ چون خدای تعالی فرمود: «ادعونی استجب لکم» (غافر، ۶۰/۴۰) و به کسی توفیق استغفار ندادند که از آمرزشش دریغ کرده باشند؛ زیرا خداوند فرمود: «استغفروا ربکم انه کان غفارا» (نوح، ۱۰/۷۱) و به کسی توفیق توبه ندادند که از قبول توبه اش دریغ کرده باشند؛ چون خداوند فرمود: «و هو الذی یقبل التوبه عن عباده» (شوری، ۲۵/۴۲).

امام صادق (ع) فرمود: خدا هر نعمتی به بنده ای دهد و آن را از دل بفهمد، شکرش را ادا کرده است. ۱۴

شکر لازمه ایمان است با استناد به قرآن، آن جا که می فرماید:
«یا ایها الذین آمنوا کلووا من طیبات ما رزقناکم واشکروا لله إن کنتم إیاه تعبدون»
(بقره، ۱۷۲/۲)؛ کسانی که ایمان آورده اید از نعمت های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید.

«إن تکفروا فإنّ الله غنیّ عنکم ولا یرضی لعباده الکفر وإن تشکروا یرضه لکم ولا تزر وازرة وزر أخرى» (زمر، ۷/۳۹)؛ اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی دارد و اگر سپاسی دارید آن را برای شما می پسندد و هیچ بردارنده ای بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد.

شکر خدا منطبق با ایمان به خدا است چنان که کفران خدا، منطبق با کفر به وی است.
۳. تحقق شکر الهی، بستگی به عمل بنده دارد. امام اشاره می کند که: «الهی ان جودک بسط املی و شکرک قبل عملی؛ خدایا بخشش تو آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت.

یکی از ارکان شکر الهی، عمل است. به این طریق که نعمت خدا را در کارهایی استفاده کند کار که خداوند دوست دارد و نعمت را در عصیان و نافرمانی او صرف نکند و

کسی می تواند به این مقام برسد که حکمت خدا در آفرینش تمام کائنات را درک کرده باشد. ^{۱۵} پس، نباید به شکر لفظی نباید اکتفا کرد، بلکه باید به کردار و عمل - که مهمتر است - هم پرداخت بنابراین تحقق شکر الهی اطاعت بدون معصیت است.

حسن ظن در کلام امام

باید به خداوند حسن ظن داشت. امام در سه فراز از دعای ابوحزمه به این مطلب تاکید می کنند که باید به خداوند حسن ظن داشت. «افتراک یا ربّ تخلف ظنوننا او تخبیب آمالنا کلاً یا کریم فلیس هذا ظننا بک ولا هذا طمعنا فیک؛ آیا ترا بیند پروردگارا که بر خلاف خوش بینی ما باشی یا آرزوهای ما را دور اندازی، نه! هرگز این گمان ما به تو نیست و طمع ما به تو اینگونه نیست.

امام پس از ذکر اعتماد خود نسبت به رحمت خداوند، مراتب و حسن ظن خود را نمودار کرده و چنین تعلیم می دهد که نسبت به او باید همیشه گمان نیکو داشت و این از تعلیمات قرآن است که تمام انبیاء و اوصیاء، این نظریه را پیروی کردند همان طور که علی (ع) در اغلب از تعالیم خود اشاره به حسن ظن نسبت به پروردگار عالم کرده است و در فقراتی از دعای معروف کمیل چنین متذکر می شود: ای خدای من کاش می دانسته که آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر روی هائی که در آستان عظمت تو به سجده درآمده اند یا به زبان هائی که صادقانه به وحدانیت تو گویا شده اند و یا بر دل هائی که محققانه به خدایی تو اقرار کرده اند با بر اعضائی که در دیار بندگی تو افتخار فرمانبرداری را داشته اند و یا اقرار به گناهان خود باب رحمت و بخشایش تو را کوبیده اند و به درستی که درصدد بازگشت به سوی تو بوده اند - آیا با این حالات آتش را بر آن ها مسلط خواهی کرد! و این در مقام استفهام انکاریست - سپس عرض می کند: «ما هکذا الظن بک ولا اخبرنا بفضلک عنک یا کریم؛ حاشا که چنین باشد، نیست این گمان بر تو و از فضل و کرم تو چنین چیزی درنیافته ایم». ^{۱۶} امام سجاد (ع) در فراز دیگر می فرماید:

«و انا عائذ بفضلک هارب الیک متنجز ما وعدت من الصّحح عمّن احسن بک ظلماً؛ من پناه آورده ام به فضل تو و گریزانم از تو به سوی تو، در حالی که خواهانم آن چه را که از گذشت خود وعده فرمودی به کسی که به تو حسن ظن (گمان خوش) دارد». امام باز تأکیدش

به اهل ایمان این است که به پروردگار خود حسن ظن داشته باشند که گمان باطل و بدگمانی نسبت به خداوند، سبب هلاکت می شود چنان که حق تعالی می فرماید:

«وما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم ولا أبصارکم ولا جلودکم ولكن ظننتم أن الله لا یعلم کثیرا ممّا تعملون وذلکم ظنکم الذی ظننتم برّبکم أرداکم فأصبحتم من الخاسرین» (فصلت، ۲۳-۲۲)؛ و [شما] از این که مبادا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهد [گناهتان] را پوشیده نمی دانستید، لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می کنید نمی داند و همین بود گمانتان که درباره پروردگارتان بردید شما را هلاک کرد و از زیان کاران شدید.

امام می فرماید: «یا سیّدی لا تکذب ظنی باحسانک و معروفک فائک ثقتی؛ ای مولای من گمان مرا با آن حسن ظن که بر نیکویی و احسان تو دارم دروغ مگردان چون تو تکیه گاه و محل اعتماد من هستی». امام همچنین در صحیفه سجاده در یکی از نیایش های خود فرموده است:

«و یحدونی علی مسئلتک تفضلک علی من اقبل بوجهه الیک و وفد بحسن ظنه الیک؛ آن چه مرا بر درخواست از تو ترغیب می کند، احسان توست به آن که با نیت پاک به تو روی آورده و از طریق خوش گمانی به درگاه تو آمده است». ۱۷

امید و حسن ظن

امام با دید کاملاً امیدوار در سه فراز دعا، به مراتب حسن ظن خود را نمودار کرده است در حالی که از خداوند هم هراس دارد.

بحث ناامیدی از رحمت خدا یکی از مباحثی است که به مسئله سوء ظن به خداوند مربوط است چنانکه خداوند در قرآن کریم فرموده است:

«و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّائین بالله ظنّ السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و أعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا» (فتح، ۴۸/۶)؛ [تا] مردان و زنان نفاق پیشه و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده اند عذاب کند. بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه [بد] سرانجامی است.

در مقابل، بحث امید به رحمت خدا نیز، به مسئله حسن ظن به خداوند مربوط است. پیامبر (ص) فرمود: خوش گمانی به خدا آن است که جز به خدا امیدوار نباشی و جز از گناهانت نه‌راسی.^{۱۸} در نتیجه، بحث حسن ظن به خداوند آن نیست که فرد تا حدی از امیدوار شود که از تلاش و کوشش برای کمال دست بردارد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: فرمود: برای مؤمن سزاوار آن است که از خدا بترسد که گویا خود را مشرف به آتش دوزخ می‌بیند و آن‌طور امید رحمت از او داشته باشد که گویا از اهل بهشت است؛ زیرا خداوند متعال.

در حدیث قدسی می‌فرماید: من طبق ظن بنده مومن خود رفتار می‌کنم. اگر حسن ظن داشته باشد، همان ظنش را محقق می‌سازم و اگر سوء ظن داشته باشد مطابق ظنش با او رفتار می‌کنم.^{۱۹}

استغفار از دیدگاه امام

امام خداوند را این‌گونه صدا می‌زند: «یا واسع المغفرة و یا باسط الیدین بالرحمة؛ ای کسی که عرصه مغفرت و آمرزشت وسیع و دو دست اقتدارت به رحمت گشاده است». با دقت در کلام امام متوجه می‌شویم که این فراز دقیقاً برگرفته از سوره سوره نجم است که می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ هَمَّجِنِينَ» در قرآن آیات فراوانی به غفور بودن خداوند اشاره دارد که «ای ربّ جلالتی بسترک و اعف عن توبیخی بکرم و جهک؛ پروردگارا پپوشان (عیوب مرا) به پرده پوشی خود، یعنی گناهان مرا با پرده‌های عفو و آمرزش خود پپوشان و از سرزنش من به کرم ذات خود گذر».

«یا غفار بنورک اهتدینا و بفضلک استغنینا و بنعمتک و اصبحنا و امسینا ذنوبنا بین یدیک نستغفرک اللهم منها و نتوب الیک؛ ای آمرزنده به نور خود ما را مشمول هدایت فرمودی و به فضلت بی‌نیاز شدیم و به نعمت تو صبح را به شام رسانیدیم، از گناهان خود که بر تو آشکار است آمرزش می‌طلبیم و به سوی تو بازگشت می‌کنیم.

امام در این دو فراز، از خداوند طلب مغفرت و آمرزش می‌کند که: خدایا گناهان ما را بیخش. با دقت در آیات قرآن و فرازهای دعا معلوم می‌گردد که بیانات حضرت (ع) چه ارتباط محکمی به آیات قرآن داشته و چگونه حقایق بزرگی از قرآن در این عبارات کوتاه جمع شده است.

«الذین یقولون ربّنا إنّنا آمناّ فاعفّر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار» (آل عمران، ۱۶/۳)؛ پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس، گناهان ما را بر ما بیخش و ما را از عذاب آتش نگاه دار.

«...ربّنا فاعفّر لنا ذنوبنا وکفرّ عنا سیّئاتنا وتوفّنا مع الأبرار» (آل عمران، ۱۹۳/۳)؛ پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران.

امام در فراز «یا غفار بنورک...» در واقع به مسئله توأم بودن استغفار و توبه اشاره می کند یعنی طلب آمرزش، باید همراه با توبه باشد تا مورد قبول واقع شود.

خداوند در سه آیه این موضوع را به نمایش می گذارد: «وأن استغفروا ربکم ثمّ توبوا إلیه یمتّعکم متاعا حسنا إلی أجلّ مسمی و یؤت کلّ ذی فضل فضله وإن تولّوا فإنی أخاف علیکم عذاب یوم کبیر» (هود، ۳/۱۱)؛ و این که از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا این که] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معین بهره مند سازد و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند و اگر روی گردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم همچین حضرت شعیب به قوم خود چنین توصیه می کند: «واستغفروا ربکم ثمّ توبوا إلیه إن ربی رحیم ودود» (هود، ۹۰/۱۱)؛ و از پروردگار خود آمرزش بخواهید و سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است.

«...فاستغفروه ثمّ توبوا إلیه إن ربی قریب مجیب» (هود، ۶۱/۱۱)؛ پس از او آمرزش بخواهید آنگاه به درگاه او توبه کنید.

امام عرض می کند «اللّهم اغفر لی ولوالدیّ و ارحمهما کما ربّیانی صغیرا و اجزهما بالاحسان احسانا و بالسیّات اللّهم اغفر للمومنین و المومنات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات . اللّهم اغفر لحیننا و میتنا و شاهدنا و غائبنا ذکرنا و انثانا صغیرنا و کبیرنا حرّنا و مملوکنا کذب العادلون باللّه و ضلّوا اضلالا بعیدا؛ خدایا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و برایشان رحم کن چنان که مرا در کودکی پروریدند و پاداششان بده در برابر نیکی به نیکی و در مقابل بدی ها به آمرزش . خدایا! بیامرز مردان و زنان مومن را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان در نیکی ها . خدایا! بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما، و غائب ما مرد ما و زن ما را، کوچک و بزرگ ما را . آزاد و برده ما را دروغ گفتند عدول کنندگان و از خدا برگشتگان بر خدا و دچار زیانی و گمراهی آشکار شدند» .

علاوه بر احسان به پدر و مادر که یک دستور از طرف خداوند است، امام برای آنان

طلب آموزش می‌کند و این فراز را مانند فرازهای دیگر از آیات قرآن اقتباس کرده‌اند:

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» (نوح، ۲۸/۷۱)؛

پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر کس که با ایمان به خانه من در می‌آید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای. چون این دستور خداوند به پیامبرش (ص) نیز هست:

«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لَذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوَاكُمْ» (محمد، ۱۹/۴۷)؛ پس، بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آموزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن] و خداست که فرجام و مآل [هر یک از] شما را می‌داند.

امام قبولی توبه‌اش را درخواست می‌کند و عرض می‌کند:

«اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلُ بِهِ وَخَشِيَّتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ابْدَأْ مَا بَقِيَّتِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، خَدَايَا! تَوْبَةٌ أَمْ رَا بِيذِيرًا، هَمَّجَنَانُ كَمَا دِيْغَرُ بِيْ غَنَاءَ أَلُوْدَهْ نَشُوْمٌ وَالْهَامُ كُنْ بَرَّ مَن، كَارِهَائِي نِيْكَ وَشَائِسْتَهْ اِنْجَامُ دَهْمٌ وَبِيْ أَنْ عَمَلُ كُنْمٌ وَهَمَّجَنَانُ مَرَا شَبَانَهْ رُوْزُ مَادَامُ كَمَا دَرِ اَيْنَ جِهَانُ هَسْتَمُ دَرِ حَالَتِ خَوْفٍ وَبِيْمُ قَرَارُ دَهْ».

امام اشاره‌ای به توبه نصح می‌کند که در قرآن نیز، به آن اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا...» (تحریم، ۸/۶۶)؛ به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای راستین و خالص.

نصوح از ماده «نصح»، که به معنای جستجو از بهترین عمل و بهترین گفتاری است که صاحبش را بهتر و بیشتر سود بخشد. معنای دیگر آن نیز اخلاص است.^{۲۰}

عکرمه از ابن عباس روایت کرده که معاذبن جبل گفت: ای رسول توبه نصوح چیست؟ فرمود: این است که گنه کاری توبه کند و دیگر برنگردد به گناه و توبه خود را نشکند. چنان که شیر به پستان بر نمی‌گردد.

علاوه بر این با توجه به آیات قرآنی و گسترده بودن بحث استغفار، می‌توان به این نتیجه دست یافت که توبه عموم مخصوص توده خاصی نیست و همه را دربر می‌گیرد.

«وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور، ۲۴/۳۱)؛ همگی به درگاه خدا توبه کنید امید است که رستگار شوید.

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء، ۴/۱۱۰)؛

و هر کس کار بدی کند یا بر خویشتن ستم نماید، سپس از خداوند آمرزش بخواهد او را آمرزنده و مهربان خواهند یافت .
توبه معصوم نیز یکی از اقسام توبه است که توبه از معصیت نیست، بلکه توبه از ترک اولی است . [ترک واجب نیست] .

نتیجه گیری

از مجموع آن چه در این نوشتار ارائه شد، برمی آید پی برد که دعای ابوحمزه ثمالی یکی از ادعیه ای است که مباحث اعتقادی، قرآنی و اخلاقی فراوانی را درخود گنجانده است و به طور چشمگیری راهگشای زندگی نسل بشر می باشد. امام سجاده (ع) خود به عنوان یک انسان کامل، در قالب دعا هدایت جامعه بشری را عهده دار شده اند، همچنین با بررسی اهم فضایل قرآنی موجود در دعا و انطباق فرازهای دعا با قرآن همسویی و همگونی بین فرازهای دعا و آیات قرآن آشکار می گردد .

-
- | | |
|----------------------------|--|
| ۱. زمردیان / ۱۰۶ . | ۱۷. صحیفه سجاده / دعای ۶ . |
| ۲. زمردیان / ۱۷۶ . | ۱۸. همچنین آیات نمل ۸۶، غافر ۶۱ نیز به این مسئله اشاره دارند . |
| ۳. مجلسی، ۲۳۷/۶۶ . | ۱۹. طباطبایی، ۱۱/۲ . |
| ۴. صحیفه سجاده، دعای ۲۱، | ۲۰. کلینی، ۲۹۳/۴ . |
| ۵. کلینی، ۱۰۰/۲ . | ۲۱. شیخ صدوق/۳۷۹ . |
| ۶. حائری/ ۲۴۰ . | ۲۲. غزالی (الاربعین)/ ۲۱۰ . |
| ۷. طباطبایی، ۱۱/۱۴۳-۱۴۱ . | ۲۳. زمردیان/ ۲۰۷ . |
| ۸. کلینی، ۱۰۰/۲ . | ۲۴. طباطبایی، ۱۷/۵۸۶ . |
| ۹. حویزی، ۲/۴۵۲ . | ۲۵. صحیفه سجاده/ دعای ۱۲، |
| ۱۰. طباطبایی، ۲۰/۱۲۷ . | ۲۶. کلینی، ۲/۲۲۰، |
| ۱۱. طباطبایی، ۳/۵۷۲ . | ۲۷. طبرسی، ۱۰/۹ . |
| ۱۲. طباطبایی، ۳/۵۸۶ . | ۲۸. طباطبائی، ۴/۳۹۹ . |
| ۱۳. حویزی، ۲/۴۰۵ . | ۲۹. طباطبائی، ۱۹/۵۶۳ . |
| ۱۴. صحیفه سجاده/ دعای ۱۳ . | ۳۰. طبرسی، ۲۵/۱۴۷ . |
| ۱۵. صحیفه سجاده/ دعای ۱۲ . | ۳۱. صحیفه سجاده / دعای ۴۷ . |
| ۱۶. حویزی، ۲/۳۰۹ . | |